

اقرار به گناه در اندیشه اسلامی

افسون ضیغمی^۱

چکیده

اعتراف به گناه یا خودافشایی بازگو کردن گناه خود نزد دیگران است. در دین اسلام اعتراف به گناه نزد دیگران به دلیل اشاعه فحشا و ریخته شدن آبرو، جایز نیست. اعتراف به گناه فقط در پیشگاه خدا و هنگام توبه جایز بوده و در روایات برای این عمل آثار معنوی مانند آمرزش گناهان برشمرده‌اند. اقرار به گناه در مکتب اسلامی همواره حائز اهمیت بوده است چرا که تأثیرات بسیاری بر زندگی فردی و اجتماعی و دینی فرد دارد و در واقع مقدمه‌ای است برای توبه. تا آنجا که بدون اقرار به گناه به شیوه‌ی صحیح توبه محقق نخواهد شد. زیرا رکن اول توبه که پشیمانی از گناه است ارتباط تنگاتنگ و مستقیمی با اقرار به گناه دارد. در این مقاله به مباحثی در ذیل اقرار به گناه با عنوان توبه، استعاذه، اقرار لفظی به گناه و باید ها و نبایدهای آن پرداخته ایم که دید روشنی از این مبحث را برای مخاطب به همراه خواهد داشت. هدف ما از پرداختن به این موضوع، احساس نیاز به طرح این مسئله به دلیل اهمیت بالای آن و همچنین عدم پرداخت کافی به این موضوع در مقالات و کتب بوده است. روش جمع آوری مقاله‌ی حاضر به صورت کتابخانه‌ای و توصیفی بوده است.

کلیدواژه: «استعاذه ، اقرار ، توبه ، گناه.

^۱. سطح ۲، حوزه علمیه حضرت خدیجه سلام الله علیها، بندر ماهشهر، خوزستان- reyhooon74.000@gmail.com

مقدمه

اقرار به گناه در اندیشه اسلامی به دلیل آثار آن بر زندگی فردی و اجتماعی همواره مورد توجه بوده است. در این مقاله منظور از اقرار به گناه، اقرار لفظی آن است که همواره موافقان و مخالفانی، چه در مذاهب اسلامی و چه در ادیان مختلف داشته است. یکی از دلایل اهمیت اقرار به گناه، این است که زمینه‌ساز توبه‌ی حقیقی است. توبه‌ای که اولین رکن آن، پشیمانی از گناه است و با اقرار به گناه حاصل می‌شود. با این حال، اقرار به گناه همیشه با چالش‌هایی همراه بوده است. چرا که اگر به شیوه‌ی صحیحی اجرا نشود، آثار منفی آن گریبان‌گیر فرد خواهد شد. بنابراین لازم است به این موضوع بیش از پیش پرداخته شود و راه‌های صحیح انجام آن دانسته شود.

اقرار به گناه به عنوان اولین گام برای تحصیل توبه‌ی حقیقی و اولین رکن آن که پشیمانی از گناه می‌باشد، بسیار ضروری است. چرا که بدون اقرار لفظی به گناه، فرد به پشیمانی حقیقی که لازمه‌ی توبه است نخواهد رسید و فرد توبه‌کار، آثار توبه را در خود احساس نمی‌کند و می‌پندارد که توبه‌ی او مقبول واقع نشده است و دچار افسردگی و ناامیدی و یاس نسبت به رحمت الهی می‌شود. بنابراین اگر اقرار به گناه به درستی و طبق اصول آن انجام شود، آثار و برکات فراوانی را در زندگی فرد بر جای خواهد گذاشت که در این مقاله سعی داریم به این مهم بیشتر بپردازیم.

با توجه به بررسی منابع، دریافتیم که به اقرار یا اعتراف به گناه در اندیشه اسلامی پرداخته نشده است اما می‌توان به منابعی درباره‌ی گناه یا آثار آن اشاره کرد. از جمله: مقاله‌ی «اقرار به آنچه که تا دیروز گناه بود» اثر حسن غفاری فر، تاریخ ۱۳۷۹؛ کتاب «اثر گناه در زندگی انسان» اثر عمران عزتی، تاریخ ۱۴۰۲؛ کتاب «گناه، از توجیه تا مهار» اثر محسن قرائتی، تاریخ ۱۳۹۱؛ مقاله‌ی «گناه و برخی از آثار آن ۱ و ۲» اثر محمد مهدی فجر، مورخ ۱۳۷۸. تفاوت این مقاله با منابع گذشته این است که در آن قصد داریم اقرار به گناه و آثار آن را از منظر اسلام بررسی نمائیم.

اقرار به گناه در اندیشه اسلامی چگونه است؟، اقرار به گناه از منظر آیات و روایات چیست؟، نظر علما و بزرگان دین درباره اقرار به گناه چیست؟، شرایط، موانع و آثار اقرار به گناه چیست؟، آیا میان توبه و اقرار به گناه ارتباطی وجود دارد؟

با توجه به اهمیت مسئله و نقش جدی اقرار به گناه در حصول توبه، بر آن شدیم تا این موضوع را به صورت مبسوط بیان داریم و راه‌های رسیدن به توبه‌ی حقیقی را بررسی کنیم که از جمله‌ی آن، اقرار لفظی به گناه و در نتیجه‌ی آن، پشیمانی قلبی و حقیقی نسبت به خطاهای گذشته و تدارک برای آنچه فوت شده است می‌باشد. تا افرادی که

در مرحله‌ی اقرار به گناه قرار می‌گیرند بدانند که آثار و موانع و مشکلات آن چیست و رابطه‌ی آن با توبه چگونه است. در نتیجه بتوانند با امید به رحمت الهی این مرحله را سپری کنند.

۱-۱- مفهوم شناسی واژگان

۱-۱-۱- اقرار در لغت و اصطلاح

اقرار از ماده (ق ر ر) و در لغت به معنای قرار دادن، ثابت کردن و اعتراف کردن است.^۱ اقرار به اذعان یا اعتراف به حق هم معنا شده است. خلیل بن احمد آن را اعتراف به شیء و راغب اصفهانی، اثبات شیء دانسته است. اقرار در اصطلاح فقه به معنای اخبار قطعی به وجود حقی به زیان خود^۲ یا ثبوت حقی برای دیگران آمده است.^۳ به نظر برخی دیگر، اقرار عبارتست از اخبار قطعی به وجود حقی لازم به زیان خود یا نفی حقی لازم از خود یا به امری دیگر که این اخبار، حق یا حکمی را به ضرر خبر دهنده در پی دارد.^۴

۱-۱-۲- گناه در لغت و اصطلاح

گناه در لغت به معنای خطا، جرم، غلط، جفا و ظلم آمده است.^۵ و معصیت به معنای گناه کردن و نافرمانی است و در لغت عرب از آن به ذنب و اثم و معصیت تعبیر شده است و معنایی که در هر دوی آنها صادق و بلکه جامع همه‌ی معانی است، نافرمانی و انجام عملی بر خلاف قانون و یا سرپیچی از قانون است. یا به گفته‌ی بعضی، هر کاری که انجام آن ناروا باشد و یا مطابق تعریف برخی، گناه در بین اهل شرع عبارتست از اینکه مکلف مرتکب امر نامشروع گردد.^۶

در اصطلاح گناه به معنای خروج از فطرت الهی است که انسان بر آن آفریده شده است. فطرت، سرشت پاک و تمایل ذاتی انسان به سوی خیر و کمال است. گناه به معنای مقابله با این سرشت الهی و گرایش به سوی شر و فساد است. در واقع گناه، عملی است که انسان را از مسیر بندگی خداوند دور کرده و به سوی هواهای نفسانی سوق می‌دهد.^۸

۱. راغب اصفهانی، مفردات، ص ۶۶۲؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۱۰۲.

۲. امام خمینی، تحریر الوسیله، ص ۲۸۳.

۳. التهانوی کشاف اصطلاحات الفنون، ج ۱، ص ۲۴۶.

۴. راغب الاصفهانی، مفردات، ج ۱، ص ۳۲۲.

۵. معین، فرهنگ معین، چ پنجم، ج سوم، ص ۳۳۹۵.

۶. همان، ص ۴۲۳۳.

۷. دهخدا، لغتنامه دهخدا، ج ۲۵، ص ۶۳، ماده ذنب.

۸. زین العابدین دست داده، دریچه‌ای به آسمان، مجمع فرهنگی هنری شهید عبدالرضا مصلی نژاد، ص ۹.

۱-۱-۳-توبه در لغت و اصطلاح

توبه به معنای رفتن از گناه می‌باشد. به سوی خدا توبه کرد یعنی از غیر خدا منقطع شد و از گناه به سوی طاعت خدا رفت.^۱ در حقیقت توبه به معنای رفتن از گناه و پشیمان شدن از نافرمانی خدا می‌باشد. توبه یعنی خداوند با رحمت وسیع و آمرزش گناهان به سوی بنده‌ی خود رفت و یا اینکه با فضل و پذیرش توبه، به بندگان توجه کرد.^۲ توبه بر اساس لغت اگر با حرف (الی) متعدی شود، به معنای رفتن بنده از گناه به اطاعت خداوند و چنانچه با حرف (علی) متعدی گردد به معنای رفتن خدا به سوی بنده به یکی از این دو صورت است :

۱-موفق کردن عبد به توبه

۲-قبول توبه وی

توبه در اصطلاح متکلمان، پشیمانی انسان از ارتکاب عمل ناپسند (گناه یا هر فعل مکروه یا مباحی که بهتر از آن را می‌توان انجام داد) به جهت زشتی آن (نه ترس از آبرو یا بیماری و ذلت و...) و در نتیجه ترک کردن آن کار در حال و نیز عزم قاطع بر عدم بازگشت به آن در آینده است.^۳

۱-۱-۴-استعاذه در لغت و اصطلاح

استعاذه مصدر باب استفعال واز ریشه‌ی (ع و ذ) به معنای پناه بردن، درخواست کمک^۴ و چنگ زدن (اعتصام) آمده است.^۵ (عوده) از همین ریشه به چیزی گفته می‌شود که به وسیله آن از چیزی پناه برده شود.^۶ مفسران بر حسب کاربرد این واژه و مشتقاتش، تعبیری چند را در توضیح آن ذکر کرده‌اند. مانند: اعتصام به خدا برای درخواست نجات، خضوع و خاکساری برای خدا جهت کسب توفیق و رها نشدن به حال خود،^۷ اتصال به حضرت حق برای حفظ از شر هر اهل شری.^۸ پناه بردن به خدا و توجه به او.^۹ درخواست دفع شر به وسیله شخص پایین‌تر از بالاتر با خضوع و فروتنی، حرز گرفتن و خود را در حیازت چیزی برای حفظ از بدی قرار دادن. برخی نیز استعاذه

۱. ابن‌منظور، لسان العرب، ذیل واژه «توب».

۲. طباطبایی، المیزان، ذیل مائده: ۷۴؛ اعراف: ۱۴۳؛ هود: ۳

۳. الفراهیدی، ج ۵، بی تا.

۴. راغب اصفهانی، مفردات، ص ۳۵۲، عود.

۵. ابن‌منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۴۶۴، عود.

۶. راغب اصفهانی، مفردات، ص ۳۵۲، عود.

۷. طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۵، ص ۲۸۶

۸. ابن‌کثیر، تفسیر ابن‌کثیر، ج ۱، ص ۱۶۵.

۹. محمد رشید، تفسیر المنار، ج ۹، ص ۵۴۱

را لطفی دانسته‌اند که جلو تاثیر وسوسه‌های شیاطین را می‌گیرد.^۱

۱-۲- اقرار به گناه در آیات و روایات

مفهوم اقرار در قرآن کریم با واژه‌ها و تعبیر گوناگونی ذکر شده است. از جمله: اقرار و مشتقات آن که در آیه‌ی ۸۱ سوره‌ی آل عمران و نیز آیه‌ی ۸۴ سوره‌ی بقره آمده است و همچنین آیات ۱۱ سوره‌ی غافر و ۱۰۲ سوره‌ی توبه و ۱۱ سوره‌ی ملک که هر سه به معنای اعتراف آمده‌اند. در آیات ۱۳۰ سوره‌ی انعام و ۱۳۵ سوره‌ی نساء هم در جهت شهادت به زیان خود آمده است. در سوره‌ی اعراف آیه‌ی ۱۷۲ و ملک آیات ۷ تا ۹ نیز به صورت استفهام تقدیری بیان شده است. آیات دیگری هم که شهادت علیه خود را بیان فرموده است عبارتند از: اعراف/ ۱۳ ، زمر/ ۷۱، انعام/ ۳۰، اعراف/ ۴۶ و احقاف ۳۴ که همگی دلالت بر شهادت علیه خود از سوی گنهکاران دارد. چنانچه در مطلب قبل بیان شد، در آیات بسیاری از قرآن به موضوع اقرار و اعتراف از جمله اقرار به گناه اشاره شده است و در این خصوص مثال‌هایی هم از امت‌های پیشین ذکر گردیده که به گناهان خویش مقرر بوده‌اند. نه تنها در آیات، بلکه در روایات بسیاری از معصومین علیهم السلام نیز به بحث اقرار به گناه پرداخته شده است. اهمیت و ضرورت اقرار به گناه زمانی بیشتر درک می‌شود که بدانیم اولین رکن توبه، پشیمانی است و در راه رسیدن به پشیمانی مفردی از اقرار به گناه نخواهد بود. پس لازمی رسیدن به پشیمانی و ندامت از گناه و به تبع آن حصول توبه، اقرار زبانی و لفظی به گناه است، آن هم در محضر خدای تعالی و نه هیچ کس دیگر. در روایات معصومین علیهم السلام هم از اقرار به گناه در راستای رسیدن به ندامت و حصول توبه اشاره‌هایی شده است. از جمله :

در روایتی از امیرالمومنین (علیه السلام) آمده است: «اعتراف راستین، اثر گناه را نابود می‌کند.^۲ در روایاتی که ذکر گردید روشن شد که اعتراف و اقرار به گناه در فرآیند توبه امری اجتناب ناپذیر است و در واقع می‌توان گفت پشیمانی از گناه زمانی حاصل می‌شود که شخص با اقرار زبانی به گناه در محضر خدای متعال، تلخی گناه را به خود بچشاند و لذت گناه را که در دل او ریشه دوانده، از دل بر کند. و مگر نه این است که شخص نادم و پشیمان از گناه فاصله‌ای تا توبه ندارد! و چه بسا در همان آن که پشیمانی از گناه صورت می‌گیرد و خجل و سرافکننده از ارتکاب گناهش می‌گردد، توبه حاصل شده است. در حدیثی دیگر امام صادق (علیه السلام) در تعلیم آداب دعا می‌فرمایند: «در دعا باید ابتدا خدا را ستود و سپس به گناه اعتراف نمود و آنگاه حاجت را خواست. سوگند به حق که بنده تنها با اقرار به گناه از گناه خارج می‌شود.»

^۱. معین، فرهنگ معین، ج ۳، ۱۳۸۵ ش.

^۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۴۲۰.

الارض فأخذهم الله بذنوبهم^۱؛ ایا در زمین گردش نمی‌کنید تا بنگرید که چگونه بود سرانجام کسانی که پیش از ایشان بودند و نیرو و آثارشان در زمین بیش از اینها بود و خدا آنها را به گناهانشان برگرفت».

و امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: و ما انعم الله على عبد نعمة فسلبها اياه حتى يذنب ذنباً يستحق بذلك السلب؛ خداوند نعمتی به بنده‌ای نداده تا از او بگیرد، جز آنکه گناهی انجام دهد که به سبب آن، نعمت از او گرفته شود^۲. سرگذشت قوم‌های؛ نوح، عاد، ثمود، لوط و... خواندنی و پند آموز است.

گناه آثار دیگری از جمله؛ تسلط اشرار، قساوت قلب، قطع روزی، محرومیت از نماز شب و... دارد.

حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: ما جفت الدموع الاّ لقسوة القلوب و ما قست القلوب الا لكثرة الذنوب^۳؛ اشک چشم‌ها نخشکید مگر به خاطر قساوت دل‌ها و دل‌ها سخت نشد، مگر بخاطر گناهان.

نکته آخر این که رفتار و گفتار و نیت انسان دارای پیامدی است که یا در این دنیا و یا در جهان آخرت دامنگیر انسان می‌شود.

رفتاری‌هایی که در این دنیا دامنگیر انسان می‌شوند یا مکافات عمل هستند و یا برای امتحان، برای تعدادی پایه ترقی و تکامل است و برای گروهی تخفیف کیفر اخروی، صورت اخیر لطفی است از طرف خداوند برای گناهکاران تا از مجازات اخروی آنها کاسته شود و ممکن است در این دنیا پاک گردند و به سرای باقی سفر کنند^۴.

۱. سوره مؤمن، ایه ۲۱.

۲. کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۲۷۴.

۳. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۴۵.

۴. دستغیب، گناهان کبیره، ج ۱، ص ۳۶.

نتیجه

مقاله‌ی حاضر تحت عنوان: «اقرار به گناه در اندیشه اسلامی» است.

هر آنچه که تاکنون در مورد اهمیت و ضرورت توبه به ما رسیده است درمورد اقرار به گناه هم صادق است. چرا که بدون طی این مرحله دستیابی به توبه تقریباً غیرممکن است. زیرا توبه زمانی محقق می‌شود که پشیمانی حاصل شده باشد و پشیمانی جز با اقرار حاصل نمی‌گردد.

این اقرار به گناه نزد خداست که قبح شکسته شده‌ی گناه را باز می‌گرداند. همان قبحی که فطرتاً در انسان وجود دارد ولی بر اثر تکرار و استمرار گناه از بین رفته است و توبه تا زمانی که گناه در کام انسان شیرین باشد هرگز محقق نخواهد شد.

بنابراین برای حصول توبه، مفردی جز اقرار به گناه نزد خدا و استعانت از حق و استعاذه به درگاه او نخواهد بود. اوست که می‌تواند انسان را از گزند شیاطین و نفس برهاند و امان دهد.

جا دارد به مبحث استعاذه و توبه و اقرار به گناه در کلام امام سجاد (علیه السلام) و به طور ویژه بر مبنای کتاب ارزشمند صحیفه سجادیه بیشتر پرداخته شود.

قرآن کریم

صحیفه سجادیه

۱. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی، ج ۱، دار الکتب العلمیه - بیروت، ۱۴۱۵.
۲. التهانوی، محمد علی، کشف اصطلاحات الفنون والعلوم، ج ۱، بی جا، مکتبه لبنان ناشرون، بی تا.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی، لسان العرب، ج ۱، بیروت، دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۴. الکورانی العاملی، الشیخ علی، مفردات الراغب الاصفهانی فی ملاحظات العاملی، ج ۳، قم، دارالمعروف، چاپ اول، ۱۴۳۴ ق.
۵. ابن کثیر، تفسیر ابن کثیر، ج ۱، بیروت، دارالمعرفه للطباعه والنشر والتوزیع، ۱۴۱۲ق.
۶. الراغب الاصفهانی، حسین بن محمد بن مفضل، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، بی جا، دفتر نشرالکتاب، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
۷. الفراهیدی، ابوعبدالرحمن الخلیل بن احمد، العین، (محقق: مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی)، ج ۵، بی جا، دارومکتبه الهلال، بی تا.
۸. الرازی، فخرالدین، التفسیر الکبیر، ج ۱، بی جا، بی نام، بی تا.
۹. انصاریان، حسین، شرح صحیفه سجادیه، ج ۶، قم، انتشارات دارالعرفان، ۱۳۸۹ش.
۱۰. بهاری، شیخ محمد، تذکره المتقین، (محقق و مصحح: علی افراسیابی)، بی جا، انتشارات نهانندی، چاپ چهارم، ۱۳۸۰ش.
۱۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و درر الکلم، (محقق: سید مهدی رجائی)، ج ۱، قم، دارالکتاب الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
۱۲. خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، ج ۲، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، بی تا.
۱۳. خلیفه القلمونی الحسینی، محمد رشید بن علی رضا، تفسیر القرآن الکریم (تفسیر المنار)، ج ۳، بی جا، الهیئه المصریه العامه الکتاب، ۱۹۹۰م.
۱۴. حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعہ، (محقق: موسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث)، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، بی تا.
۱۵. حرانی، ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، چاپ علی اکبر غفاری، قم، ۱۳۶۳ش.

۱۶. حیدری حسین ، زندگینامه آیت الله بهاء الدینی، ناشر: انتشارات دارالعلم - ش.ح ۴۱۰۰۱.
۱۷. جوادی آملی، عبدالله، فطرت در قرآن، ناشر: اسراء، چاپ چهارم ، ۱۳۸۶.
۱۸. مجلسی، شیخ محمد باقر بن محمد تقی، بحارالانوار، ج ۶، بی جا، موسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۱۹. مجیدی، غلامحسین، فلاح السائل و نجاح المسائل فی عمل الیوم و اللیل، آینه پژوهش، مهر و آبان ۱۳۷۶.
۲۰. معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۳، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ بیست و سوم، ۱۳۸۵ ش.
۲۱. موسوی الخوئی، سید ابوالقاسم، منهاج الصالحین، ج ۲، بی جا، موسسه الخوئی الاسلامیه، بی تا.
۲۲. مطهری، مرتضی، فطرت، تهران، انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده عمران، ۱۳۶۱ش.
۲۳. میرخلف زاده، علی ، قصص التوابین، ناشر: دار المحجۀ البيضاء، بیروت، ۱۴۱۸.
۲۴. سبحانی، شیخ جعفر، منشور جاوید ، ج ۲، قم، موسسه امام صادق علیه السلام، بی تا.
۲۵. شبر، سید عبدالله، الاخلاق، کربلا، قسم الشؤون الفكریه والتفایه فی العتبه الحسینیة المقدسه، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.
۲۶. راغب الاصفهانی، ابوالقاسم الحسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، (محقق: صفوان عدنان الداودی) ج ۱، دمشق بیروت، دارالقلم، الدارالشامیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۲۷. عمید، حسن، فرهنگ عمید، ج ۳، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ نهم، ۱۳۸۲ش.
۲۸. غروی تبریزی، علی، التنقیح فی شرح العروة الوثقی، قم، انتشارات لطفی، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
۲۹. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیرالقرآن، ج ۱، بی جا، دارالمعرفه، بی تا.
۳۰. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، ج ۱۲، بی جا، انتشارات اسماعیلیان، بی تا.
۳۱. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیرالقرآن، ج ۱۸، ۱۰، بی جا، دارالمعرفه، بی تا.
۳۲. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دار المعرفة - بیروت، ۱۴۱۲.
۳۳. طریحی النجفی، فخر الدین، مجمع البحرین، ج ۳، بی جا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی تا.
۳۴. صدوق، محمد بن علی، معانی الاخبار، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۸ق.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، (مترجم: کمره‌ای، محمد باقر)، ج ۵، قم، انتشارات اسوه، چاپ سوم، ۱۳۷۵ش.
۳۶. گلپایگانی، سید محمدرضا، در المنزود، قم، دار القرآن الکریم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۳۷. دستغیب، شهید سید عبدالحسین، استعاذه، قم، موسسه مطبوعاتی دارالکتاب (جزایری)، چاپ سوم، ۱۳۸۵ش.

۳۸. _____، گناهان کبیره، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵.

۳۹. نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، معاونت مطالعات راهبردی، پرسش و پاسخها، دفتر

چهلیم گناه و توبه، (مولف: گروه اخلاق و عرفان)، بی جا، دفتر نشر معارف، چاپ سوم، ۱۳۹۱ش.

۴۰. نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، قم، انتشارات هجرت، چاپ ششم، ۱۳۷۸ش.

مجلات و نشریات

۴۱. نشریه مبلغان ، مرداد و شهریور ۱۳۸۹ - شماره ۱۳۱